Al-Mustafa International University

Discourse of History

Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

Print ISSN: 2383 - 1944
Online ISSN: 2783 - 235X

Sarkar-e Feyz-Asar: Its Implementation, Functions, and Reasons for Historical Longevity

Seyyed Mohammad Hosseini [1], and **Hakimeh Ehsani** [2]✉

1.Department of Islamic History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
E-mail: sm.hosseni2@urd.ac.ir

2.Ph.D. Student in Islamic History, University of Religions and Denominations,Qom, Iran.
E-mail: h.ehsni94@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 2024-02-07
Received in revised form 2024-04-20
Accepted 2024-04-28
Available online 15 June 2026

Keywords:
Waqf,
Sarkar-e Feyz-Asar,
Sadarat,
Safavid era,
Qajar period.

ABSTRACT

Waqf (endowment) is regarded as one of the most important benevolent traditions in religious teachings and as a key mechanism for social welfare and support of the underprivileged classes in Islamic society. The study of the waqf phenomenon, its functions, reasons for longevity, and its numerous effects has always attracted the attention of religious scholars and researchers in Islamic and social sciences.

The "Sarkar-e Feyz-Asar" waqf represents a specific type of endowment, particularly prominent in the Safavid era. It emerged in line with the expansion of waqf culture according to the requirements of Muslim social life, especially with regard to endowments dedicated to sacred sites, and has left significant impacts.

The main question of this research is how this type of waqf was formed, what factors led to its prominence and longevity, and what its various effects were. The study employs a descriptive-analytical method based on the examination of historical documents.

The findings indicate that "Sarkar-e Feyz-Asar" played important and diverse roles across various historical periods in political, social, cultural, and economic spheres. The reasons for its historical longevity include:

Political factors: The role of rulers and governors, the status of the clergy, and the influence of prominent women.

Social factors: Preserving the name and family reputation of the founders, building hospitals, cooperation, and supporting disadvantaged social classes.

Cultural factors: Reviving votive offerings, creating "Molk-Allah" (property of God), promoting knowledge and scientific heritage, and the devotional nature of the waqf.

Economic factors: Performing charitable financial acts, establishing interest-free loan funds (Qarz al-Hasaneh), and the restoration and equipping of sacred sites (including the construction of shrines for Imams' descendants, religious schools, and assistance to the shrines of the Ahl al-Bayt).

Cite this article: Hosseini, S.H., & Ehsani, H. (2026). Sarkar-e Feyz-Asar: Its Implementation, Functions, and Reasons for Historical Longevity). *Discourse of History*, *20* (53), 101-130. https://doi.org/ 10.22034/SKH.2024.16468.1432

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/ 10.22034/SKH.2024.16468.1432

سخن تاریخ
شاپا چاپی: ۱۹۴۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵X-۲۷۸۳
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

سرکارفیض‌آثار، کاربست و علل ماندگاری آن در تاریخ

سیدمحمد حسینی [۱]، و حکیمه احسانی [۲] ✉

۱. گروه تاریخ اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی ، قم، ایران. رایانامه: sm.hosseni2@urd.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، رشته تاریخ اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی ، قم، ایران.
رایانامه: h.ehsni94@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
علمی – پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

کلیدواژه‌ها:
وقف،
سرکار فیض آثار،
صدارت،
عصر صفویه،
دوره‌ی قاجار.

چکیده

وقف، از مهم‌ترین سنت‌های حسنه در آموزه‌های دینی و نیز یکی از ساز وکارهای تامین اجتماعی و حمایت از طبقات نیازمند در جامعه اسلامی به شمار می‌آید. بررسی پدیده‌ی وقف، چگونگی کارکرد، علل ماندگاری و آثار متعدد آن همواره مورد توجه عالمان دین و محققان علوم اسلامی و اجتماعی بوده است. وقف «سرکار فیض آثار»، یکی از انواع وقف به‌ویژه در عصر صفوی بوده است که در امتداد گسترش فرهنگ وقف بر حسب مقتضیات زندگی اجتماعی مسلمانان، خاصه ناظر به موقوفات اماکن مقدسه ایجاد شده و آثار زیادی را برجای گذاشته است.

پرسش اصلی این تحقیق، آن است که شکل‌گیری این نوع وقف چگونه بوده و علل توجه و ماندگاری و آثار مختلف آن چه بوده است؟ سعی شده با روش توصیفی – تحلیلی و بر اساس مطالعه اسناد تاریخی به اهداف پژوهش دست یافت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که «سرکار فیض آثار» در ادوار مختلف تاریخی کارکردهای مهم و متنوعی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی داشته و هم‌چنین علل ماندگاری آن در تاریخ شامل؛ عوامل سیاسی: نقش حاکمان و فرمان‌روایان، جایگاه روحانیت، نقش زنان تاثیرگذار؛ عوامل اجتماعی: حفظ نام و نام خانوادگی واقفان، ساخت بیمارستان، تعاون و حمایت از طبقات محروم جامعه؛ عوامل فرهنگی: احیای نذورات، ایجاد مُلک‌الله، گسترش دانش و میراث علمی، عبادی بودن وقف؛ عوامل اقتصادی: انجام عمل خیرخواهانه مالی، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه، مرمت و تجهیز اماکن متبرکه (ساخت بارگاه امامزاده و مدارس دینی و کمک به حرم اهل‌بیت(ع)) است.

استناد: حسینی، سیدمحمد ؛ و احسانی، حکیمه (۱۴۰۵). سرکارفیض‌آثار، کاربست و علل ماندگاری آن در تاریخ. *سخن تاریخ*، ۲۰ (۵۳)، ۱۰۱-۱۳۰. https://doi.org/ 10.22034/SKH.2024.16468.1432

ناشر: جامعهٔ المصطفی (ص) العالمیه.
© نویسندگان.

مقدمه

وقف، از جمله سنت‌ها و پدیده‌های خیرخواهانه‌ای است، که در طول تاریخ بشر و حتی پیش از آن، در میان اجتماعات انسانی وجود داشته و دارای کارکردهای زیادی در عرصه‌های مختلف اجتماعی – سیاسی بوده است؛ زیرا بسیاری از نیازهای گروه‌های اجتماعی با تکیه بر این سنت مرتفع می‌شد.

وقف در دوره‌ی قبل از اسلام؛ در عهد هخامنشیان، سلوکیان و اشکانیان و به‌طور خاص در معابد و آتشکده‌ها وجود داشت. با ورود آیین اسلام و ابلاغ آموزه‌های آن، جایگاه وقف ارتقای یافت و سوای از موقوفات مردمی، زمین‌هایی که به‌تصرف سپاهیان اسلام درمی‌آمد، به‌عنوان «مفتوح العنوه» جزو اراضی وقفی نیز به شمار می‌آمد. در ایران نیز، با توجه به سابقه‌ی طولانی وقف، در دوره‌های گوناگون به‌ویژه از قرن چهارم و با شکل‌گیری حکومت آل بویه، رونق گرفتن سنت وقف برای تامین مالی مراکز مذهبی، آموزشی و رفاهی مردم، به‌ویژه شیعیان که این وضعیت در دوره‌ی صفویه و افشاریه و در نهایت، در دوره‌ی قاجاریه رشد بیش‌تری یافت.

این پدیده حسنه، از جهات مختلف در منابع دینی و تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از جهات وقف که مورد توجه محققان و نیز واقفان بوده، انواع وقف است که به اعتبارات گوناگون برای آن انواعی برشمرده‌اند. «سرکار فیض آثار» یکی از مصادیق و شکلی از انواع وقف بوده که در عصر صفوی فراوانی بیش‌تری داشته است و بنا بر اسناد تاریخی، بخش عمده‌ای از موقوفات در این دوره، با این عنوان معرفی و ثبت شده‌اند؛ گرچه در برخی از منابع نیز عنوان بخش ویژه‌ای از موقوفات آمده است و یا عنوانی تشریفاتی برای صاحب منصب و متولی اداره موقوفه ذکر شده است.

پژوهش حاضر درصدد بررسی این مساله است که اصطلاح: «سرکار فیض آثار» چه معنا و مفهومی در وقف دارد؟ گستره سرکار فیض آثار و کاربست آن در جامعه اسلامی چگونه بوده و علل ماندگاری آن در ادوار مختلف تاریخی چه بوده است؟ با استفاده از منابع و کتاب‌های تاریخی - حدیثی سعی شده است، موضوع مذکور و پرسش‌های پیرامونی آن با روش اسنادی و به شیوه توصیفی – تحلیلی بررسی گردد.

۱. ادبیات پژوهش

۱/۱. پیشینه‌ی پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده در باب پیشینه‌ی موضوع، به نظر می‌رسد که برخی کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و یا مقالاتی مشابه با عنوان پژوهش حاضر وجود دارد؛ اما عمده‌ای این تحقیقات به کلیاتی از پدیده‌ی وقف و آثار و ابعاد آن در جامعه پرداخته‌اند و منبع خاصی که به‌طور جامع و خاص به وقف «سرکار فیض آثار» پرداخته باشد، یافت نشد؛ با وجود این به مواردی از پژوهش‌های مشابه اشاره می‌شود:

مقاله: «واکاوی اصطلاح سرکار فیض آثار» اثر طلایی که در مرکز اسناد قدس رضوی به رشته تحریر درآمده است نویسنده درصدد شناخت مفهوم مذکور و کاربرد آن در متون تاریخی به‌ویژه اسناد آستان قدس رضوی بوده است.

مقاله‌ای نیز، با عنوان «پیوندهای پادشاهان صفوی با امام رضا(ع)» اثر مهدی دهقان منتشر شده است، که در آن، حاکمان و فرمان‌روایان عالی رتبه برای شفا و جلوگیری از آسیب دیدن از دشمنان و رقیبان سیاسی به حرم امام رضا(ع) پناهنده و نذورات و صدقات خود را در قالب سرکار فیض آثار وقف می‌کردند. نویسنده به‌طور کلی به نذورات حاکمان صفویه به‌ویژه موقوفات حرم امام رضا(ع) و گسترش فرهنگ اسلامی از طریق وقف، پرداخته است.

رساله‌ای نیز با عنوان «صفویان و سرکار فیض آثار (مطالعه موردی خانقاه اردبیل و حرم رضوی)» توسط محمد رشیدی نگارش یافته است. ایشان سعی کرده است، که در ۵ فصل، به تفصیل یک بررسی تاریخی درباره‌ی موقوفات برخی از اماکن مهم مذهبی و تاریخی ایران عصر صفوی انجام دهد و نیز اصطلاح سرکار فیض آثار را به‌طور عمده، به‌لحاظ مفهومی و رابطه‌ی آن با حاکمیت کنکاشی تاریخی نماید.

وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین، در این است که سعی شده است، تا به‌صورت تفصیلی و خاصه، تحقیقی ناظر به همه‌ی ابعاد این نوع از وقف انجام گیرد. سوای از بررسی مفهومی اصطلاح «سرکار فیض آثار»، نوع وقف آن، کاربست و آثار و علل ماندگاری آن بیان شود و بر خلاف تحقیقات پیشین که بر مبنای یک محور و نگاهی تک بعدی و ناقص به این پدیده توجه کرده‌اند، در این‌جا، منظری جامع مورد توجه قرار گیرد و «سرکار فیض آثار» را فراتر از یک عنوان تشریفاتی یا بخشی از تشکیلات اماکن مقدسه قلمداد کرده و مبتنی بر اسناد موقوفات، آن را نوعی از وقف لحاظ کرده تا همه‌ی اعتبارت دیگر را شامل شده و بتوان، یک بررسی جامع‌تری در این باره، انجام شود. بنابراین، به نظر می‌رسد نگاهی نو و متقن‌تری خواهد بود.

۱/۲/۱. مفهوم‌شناسی

۱/۲/۱/۱. وقف

وقف در لغت، به‌معنای ایستادن، آرام گرفتن، نگه‌داشتن[۱] و منحصر کردن چیزی برای استفاده کسی است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل اصطلاح وقف). اصل واژه وقف، لغتی عربی و به‌معنای توقف کردن و ایستادن، حبس کردن (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ۷۵۹۹) آمده است.

در اصطلاح علم حقوق و فقه، عمل حقوقی وقف، «نگاه‌داشتن و بازداشتن در همه‌جا مورد نظر است» (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۱۱۶). وقف در دیدگاه شیعه عبارت است از این‌که اصل مال نگه داشته شود و منافع آن آزاد شود. مرحوم شیخ صدوق(ره)، وقف را تحبیس اصل و اطلاق منفعت یا تحبیس اصل و تسبیل ثمره تعریف کرده‌اند (شیری شیروانی، ۱۳۷۱: ۴۱). از نظر مرحوم محقق حلّی؛ وقف، عقدی است که ثمره‌ی آن، حبس کردن اصل و رها کردن منفعت است. این تعریف از روایت «حبس الاصل و سبل الثمره» مستفاد شده است (بهداروند، ۱۳۸۵: ۱۸۷). امام خمینی(ره) نیز فرموده است؛ یعنی، وقف، عبارت از حبس کردن عین و رها کردن منفعت آن است (خمینی، ۱۳۸۰: ۶۲). منظور از «حبس»، آن است که مالک، مال را برای همیشه از ملکیت خود خارج سازد و منظور از «تسبیل»؛ یعنی، منافعِ مال حبس شده برای مصارف خیریه که مایه خشنودی و رضای خداوند است یا برای اشخاصِ معین، اختصاص یابد به نحوی که تصرفات مالکانه در مال ممنوع شود (شهابی، ۱۳۷۱: ۷۹).

۲/۲/۱/۱. صدارت

صدارت، منصبی در عهد صفویه بوده است. بنا بر اسناد تاریخی، مهم‌ترین منصب روحانی و اداری در این دوران، صاحب این منصب، «صدر» نامیده می‌شد. مولف تذکره‌الملوک می‌نویسد: «لازمه‌ی منصب مطلق صدارت، تعیین حاکمان شرع و مباشران اوقاف تفویضی و ریش سفیدی جمعی سادات و عالمان و مدرسان و شیخ‌الاسلامان و پیش نمازان و قاضیان و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و مساجد و بُقاع‌الخیر و وزیران اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات و محرران و غسالان و حفاران با اوست و دیوان احداث اربعه را بدون حضور صدور عظام نمی‌رسد و امور شرعی سرکار فیض آثار متعلق و مختص عالی‌جاه صدر خاصه است» (میرزا اسمیعا، ۱۳۳۴: ۲ و ۴). برای تمییز صدر از ناظر موقوفات مذهبی، او را صدر موقوفات

---

۱ . «قفهوهم» در آیه ۲۴ صافات «فقهوهم انهم مسؤولون » در همین معنا به کار گرفته شده است.

می‌نامیدند (شاردن، ۱۳۷۴، ج۴: ۱۳۳۶) مدیریت و نظارت بر تمام آن‌چه اموال وقف تفویضی (موقوفات مذهبی سلطنتی) نامیده می‌شد، بر عهده‌ی صدر خاصه بود که در رأس دیوان‌الصداره قرار داشت. وقف تفویضی تشکیل شده از اموال و املاک خالصه سلطنتی بود که برای زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره چهارده معصوم(ع) وقف می‌شد. صدر خاصه می‌توانست تمام متولیان مزارهای مقدس را نصب و عزل کند. این وقف‌های سلطنتی در اختیار سرکار فیض آثار بود (همان). تاورنیه[1] در سال‌های ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ م، از ایران بازدید داشت و موقوفات ایران را به دو دسته‌ی؛ سلطنتی و متفرقه تقسیم کرد و بیان می‌کند: «رییس موقوفات سلطنتی، ملقب به «صدر خاص» است و رییس موقوفات متفرقه، ملقب به «صدر موقوفات» است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۵۸).

در دوره‌ی صفویه منصب اداره‌ی اوقاف بر عهده‌ی «صدر الصدور» بود، که وزیر اوقاف و مستوفی موقوفات خوانده می‌شد. در سال ۱۳۲۸ ه.ق، قانونی بر نظم دادن به موقوفات و نظارت بر آنان به تصویب رسید. این قوانین تا سال ۱۳۱۳ش، مورد عمل بود. در این سال قانونی در ده ماده تدوین و در سال ۱۳۱۴ به تصویب دولت رسید (شهابی، ۱۳۴۳: ۱۱ - ۱۲).

۳٫۲٫۱. سرکار فیض آثار

فرهنگ فارسی معنای «سرکار» را چنین آورده: کارفرما، کارگزار، مباشر، ناظر، پیش‌کار؛ کسی که در رأس کاری قرار دارد (معین، ۱۳۹۱: حرف س). «سرکار»، عنوانی مانند جناب، حضرت و یکی از القابی است که در تعظیم و تکریم شخص به کار برده می‌شد. واژه‌ی «فیض»، مترادف بخشش، برکت، تفضل، عنایت، فضل، سرشار، فراوانی، محبت و لطف کسی نسبت به دیگری است (عمید، ۱۳۵۷: حرف ف). در اصطلاح، «سرکار فیض آثار» به همه‌ی موقوفاتی که حاکمان صفوی مدعی تولیت آن بوده‌اند، اطلاق می‌شد و این نشان می‌دهد که حاکمان صفوی به گسترش موقوفات و تولیت آن‌ها علاقه داشتند. جنابدی، اصطلاح «سرکار» را چنین به‌کار برده است: «سرکار شهریاران، سرکار پادشاهانه، سرکار خاصه شریفه و سرکار خلیل پاشا» (جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۱۳، ۵۹۴ و ۶۷۴). به همان معنای صاحب، اصطلاح «فیض آثار» نیز پیش از دوره بخشش و کرامت و در ترکیب‌هایی متعددی مانند: مزار فیض آثار، قبه فیض آثار و مرقد فیض آثار (خنجی، ۱۳۸۳: ۳۲۸، ۱۰۵، ۳۴۵، ۳۴۶)؛ مجلس فیض آثار (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج۴: ۱۰۴۶)؛ زبان فیض آثار (خنجی، پیشین: ۲۶۰)؛ ضمیر فیض آثار (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج۴: ۴۹۹، ۶۰۵) به‌کار

[1] taurine

رفته است. سرکار فیض آثار ارتباط ناگسستنی با اماکن متبرکه پیدا می‌کند. به مرور سرکار فیض آثار لفظ احترام‌آمیزی می‌شود که برای زیارت‌گاه‌های مهم دوره‌ی صفویه در مشهد، اردبیل، قم و غیره به کار می‌رود. هم‌چنین «آستانه مقدسه» در آستانه مشهد یا به بیان خلاصه التواریخ سرکار فیض آثار، اصطلاحی که بر سربرگ بسیاری از فرمان‌ها و اسناد آستانه‌ی رضوی نوشته شده است (حمیده شهیدی، ۱۳۷۹: ۳۰، ۳۴، ۳۵،۴۲، ۴۶، ۵۴ و..).

۲. تاریخچه‌ی سرکار فیض آثار

در گذشته ابتدا، قضات بر امور موقوفه‌ها نظارت می‌کردند؛ چنان‌که در دوران عبدالملک (۲۶ - ۸۶ ق)، حاکم مصر دستور ثبت موقوفه‌ها را در دفتر خاصی صادر کرد. این امر منجر به تشکیل دیوان اوقاف گردید. این دیوان زیر نظر قاضی هر شهر اداره می‌شد. در ادامه در دوران عباسی، اداره‌ی موقوفه‌ها در اختیار کسی بود که «صدر الوقوف» نامیده می‌شد (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰: ۲۵) کاربرد تاریخی و رایج اصطلاحات؛ «سرکار» و «فیض» آثار، به دوره‌ی صفوی باز می‌گردد؛ چنان‌که شاه عباس اول زمین‌های خصوصی را به موقوفات تبدیل کرد، تا از درآمدهای آن‌ها منتفع گردد و در عین‌حال از سرزنش اخلاقی در سوء استفاده از آن‌ها مصون بماند. این نظر «لمبتون» است. در حالی‌که با شناختی که از باورهای مذهبی شاه عباس داریم، او انگیزه‌هایی مذهبی برای این وقف‌ها داشته است. در حالت بدبینانه می‌توان گفت؛ که هر دو نوع انگیزه را همزمان داشته است. صفت گل می‌نویسد: لمبتون بدون در نظر گرفتن احتمالات دیگر تنها، بر این نکته تأکید می‌کند که شاه عباس لازم دید که املاک شخصی خود را مبدل به اوقاف کند تا هم بتواند از عواید آن‌ها بهره‌مند گردد و هم از سرزنش این و آن پرهیز کرده باشد. او فراموش می‌کند که احتمالات دیگری نیز ممکن است در این اقدام نهفته باشد. مانند جنبه‌های ایمانی و ثواب که در فرهنگ و اعتقادات اسلامی ریشه دارد (صفت گل، ۱۳۸۹: ۲۲۳ و ۲۲۴.).

در کتاب «حبیب السیر» نیز، - که مربوط به اواخر دوره‌ی تیموری و اوایل صفوی است -، شواهدی از کاربرد این اصطلاح وجود دارد: «... مهمات سرکار خالفت را در سلک نظام منتظم ساختند» (خواندمیر، پیشین، ج۲: ۳۰۰) و نیز «به‌موجب پروانچه خواجه نظام‌الملک ضابط و عامل سرکار مرو شد و ملقب به وجیه الملک گشت» (خواندمیر، همان، ج۲، ۵۱۳).

در وقف‌نامه‌ی تهماسب به سال ۹۵۰ ق، به آستانه‌ی ری، اصطلاح واژه‌ی «سرکار» به مفهوم ناظر و یا مباشر به‌کار رفته است: «حضرت عبدالعظیم علیه آلاف التحیه و التکریم، متولیان عظام و گماشتگان و سرکاران آستانه‌ی مقدسه، ذیحجه سنه ۹۵۰» (هدایتی، ۱۳۴۴:

۷۷). این اصطلاح در تذکرةالملوک در مفهوم اداره و بخش ثبت شده است، مانند: سرکار آذربایجان، سرکار خرج، سرکار تفنگچی آقاسی، سرکار جباداریاشی، سرکار خراسان و... (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۹، ۸۸، ۹۱).

ترکیب «نیت فیض آثار»، در سندی برای شاه طهماسب به این معنا نیز به‌کار رفته: «... حکم قاطع خالفت التزال همواره نیت فیض آثار همایون و همت عالی نهمت کرم شعار... بر ارتفاع ارکان اشاعه خیرات و... ترویج و تنسیق مشاهد مقدسه منوره ائمه‌ی هدی و مزارات مطهره اولاد ... ایشان ... بوده و هست» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۴۰). با وجود این، بیش‌ترین کاربرد مربوط به مزار فیض آثار است؛ مثلا در «تاریخ حبیب السیر» برای مزارهای خواجه ابوالولید در هرات، امام عالی مقدار حسن بن امیر المومنین علی، امام بزرگوار موسی الکاظم(ع)، مختار بن محمد بن احمد هروی در هرات، خواجه عبدالله انصاری و مانند آن به کار رفته است (خواندمیر، پیشین، ج۲، ۳، ۴: ۱۷۴، ۲۱۳، ۱۰۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۳۲۹). در وقف‌نامه‌ای، این اصطلاح درباره‌ی مرقد امامزاده‌ای در مازندران به‌کار رفته است: «... مزار فیض آثار امامزاده واجب التعظیم والتکریم امامزاده صالح بن امام الهمام امام موسی کاظم علیه التحیه و الثنا، واقع در دیودون...» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۲۵). در روضات الجنات در قرن نهم نیز اصطلاح مزار فیض آثار به کار رفته است (اسفزاری، ۱۳۳۸، ج۱: ۱۸۰).

۳. کاربست سرکارفیض آثار

پدیده‌ی وقف که در تفکر اسلامی پیشینه‌ای در فرهنگ و تمدن مسلمانان، نقشی موثر و ریشه در تمدن بشری داشته است. چگونگی رسیدگی به امور موقوفه‌ها در ادوار تاریخی، متفاوت بود و سیر تحولی را طی کرد. سوالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که سرکار فیض آثار چه کارکرد و تاثیری به‌لحاظ سیاسی - اجتماعی و فرهنگی در جامعه داشته که در ادامه به مهم‌ترین کاربست های آن اشاره می‌شود:

۳/۱. کاربست در امور سیاسی

به‌طور کلی موقوفات در طول تاریخ، از مهم‌ترین عوامل کاهش هزینه‌ی حکومت‌ها در امور مذهبی، اجتماعی و آموزشی بوده است؛ از جمله کارکردهای وقف به‌عنوان سرمایه‌ی عظیم مالی این است که می‌تواند نقش سازنده و قابل توجهی در رشد و توسعه‌ی حکومت اسلامی داشته باشد، چنان‌که در عصر صفویه و ادوار بعد از آن، این تاثیرگذاری بوده است. نادرشاه افشار، چنین می‌گفت: «دعای موقوفه‌خواران به حال کشور سودی نبخشید، لذا بهتر است، من اوقاف و درآمد

آن‌ها را به مصرف سپاهیان برسانم که برای حفظ مملکت به مراتب مفیدتر است» (راوندی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۷۵۹).

یکی از تشکیلات مهم وقف، بخش موقوفات آستان قدس رضوی است که از دوره‌ی صفوی شکل گرفت و شاه صفوی، تولیت اصلی این مجموعه را بر عهده داشت. البته به‌خاطر دوری مسافت، از سوی خود، شخصی را به‌عنوان متولی برای رسیدگی به امور این آستان تعیین کرده بود. در دوره‌ی افشاری با انتقال مرکز سیاسی به مشهد، زمینه برای نفوذ و دخالت حکومت در این مجموعه بیش‌تر فراهم شد و از این زمان به بعد تشکیلات اداری آستان قدس برای تامین کلیه‌ی هزینه‌های خود، اعم از پرداخت حقوق و دست‌مزد کارکنان و نیز هزینه‌های متفرقه مانند: تعمیر یا ساخت و ساز و خرید لوازم، نیازمند پرداخت مبالغ تعیین شده از سوی سرکار خاصه شریفه بود. چنان‌که در اسناد سال ۱۱۴۹ آمده است: «مبلغ ۱۲۴۹ تومان و ۵۵۰۰ دینار جهت اخراجات شش ماهه‌ی اول ئیلات ئیل کارخانجات و غیره مستعمرات و مواجب سرکشیکان و خدام و باقی منسوبان سرکار آستان عرش‌نشان موافق طومار نسق جدید که حسب الرقم القدس مقرر شد که از سرکار دیوان بازیافت و به مصارف متعدده سرکار مذکور رساند» (سوزنچی کاشانی، سند شماره اموالی ۲، ۳۳۳۸۰). به دلیل سیاست نادرشاه در این دوره، کار نظارت متزلزل شد و البته تشکیلات قدس بر عهده حکومت بوده؛ به‌طوری که در سال (۱۱۵۱ ق) دستور داده شد که متولی باید از این پس سررشته جمع و خرج آن سرکار را به فرزند ارجمند کامکار عالی مقدار رضا قلی میرزا نایب‌السلطنه مملکت ایران خاطر نشان سازد (همان، سند شماره اموالی ۳۵۱۸۵).

مهم‌ترین منصب تولیت «سرکارفیض آثار» که معمولاً با دستور پادشاهان صفوی به مقام‌های عالی‌رتبه مذهبی ازجمله: صدور، قضات، شیخ‌الاسلام‌ها، وزیر فیض آثار و مدرسان برجسته واگذار می‌گردید؛ به‌طوری که وقف در دوران صفویه بیش از هر زمان دیگری گسترش یافت و حتی خاندان حکومتی زمین‌های زیادی را وقف امامان معصوم(ع) کردند. از وظایف فیض آثار، این است، که به فعالیت‌های کشاورزی زمین‌های موقوفه، نظارت کند و در آبادی قنوات، باغ‌ها، آسیاب‌ها (مستغلات مراقب دایم به عمل آورد تا در جمع‌آوری عواید موقوفات و مصادر آن‌ها طبق شرایط واقف عمل شود وی در توسعه‌ی کشاورزی و آبادانی محال اصفهان اهتمام خاصی مبذول داشت (میرزا سمیعا، ۱۱۳۷- ۱۱۴۲: ۵۴ - ۵۵). بعد از شاهان صفوی و در دوره‌ی افشاریه، وقف تا حدودی متوقف ماند. در این زمان به‌دلیل سیاست‌های نادرشاه در حوزه وقف و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی نسبت به دوره‌ی قبل، کاهش تعداد واقفان بوده؛ زیرا اوقاف از دست مردم گرفته شد، آن را به انضمام املاک خالصه درآوردند. در دوره‌ی افشاریه و تومار علی‌شاه، (علی‌رغم کم بودن

مدت سلطنتش ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱) اصلاحات بنیادین در آستان قدس انجام شد و تشکیلات اداری حرم مطهر به وضع منسجمی درآمد (تومار علی‌شاه، ۱۳۸۰). در اوایل دوره‌ی قاجار ۱۲۱۰ به‌دلیل عدم قدرت حکومت مرکزی در خراسان و تاخت و تاز ترکمانان تا آمدن موسی خان به تولیت آستان قدس در سال ۱۲۴۸، اوقاف در دوره‌ی فترت خود بود و رونق خاصی در امور وقف مشاهده نمی‌شود.

دفتر موقوفاتی در دوره‌ی صفویه وجود داشت که همه‌ی مستوفیان و متصدیان، متولیان و مباشران موقوفات، برای حسابرسی و ممیزی به این دفتر مراجعه می‌کردند. به‌دلیل تحولات سیاسی در چند مرحله تغییراتی در موقوفات این عصر به وجود آمد. از دوران شاه اسماعیل اول تا دوره سلطنت شاه عباس کبیر که مرحله‌ی آغازین گسترش موقوفات است. دوره‌ی شاه عباس گسترش موقوفات و فاصله‌ی زمانی بعد از شاه عباس تا روزکار سلیمان دوره استقرار نهاد وقف است؛ اما از سلطنت شاه سلیمان تا سقوط صفویه به دلیل عمل‌کرد نادرست شاهان نهاد وقف و ارکان دیگر در نظام تشکیلاتی، دچار آشفتگی و رکود می‌شوند.

۲٫۳. کاربست در امور اجتماعی

یکی دیگر از حوزه‌های کاربست این نوع از وقف، امور اجتماعی بود. کارکردهای عالمان شیعی در جامعه، که از آموزه‌های دینی الهام می‌گرفت، رسیدگی به نیازهای مردمان بوده است. از جمله این عالمان، که به ایجاد سازمان‌های عام‌المنفعه و رسیدگی به حوایج مسکینان، نیازمندان و یتیمان و التیام‌بخشی آلام آنان اهتمام داشته شیخ بهایی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ - ۱۰۳۱) بوده است. وقف «سرکار فیض آثار» در امور اجتماعی بدین معنا بود که واقف از راه نیکوکاری و کمک به هم‌نوعان، اموالی را در اختیار امور اجتماعی و عام‌المنفعه قرار می‌دهد. مثلا در متن یکی از وقف‌نامه‌های نوع «سرکار فیض آثار» آمده است: «وقفی است که بر تعمیرات و فروش عمارات آستانه‌ی متبرکه و روضه‌ی منوره‌ی مطهّره‌ی امام است و هفت عشر را مصرف می‌کردند که در اصفهان تسلیم تجار معتبر... مزبور را به گماشتگان متولّی و ناظر «سرکار فیض آثار» ندهند و به این اعتماد ننمایند که گماشتگان ایشان فرامین شاه در بخشودگی مالیات رقبات را مشخص نکرده باشد، سیورغال ابدی و احسان سرمدی مدرسه‌ی رفیعه‌ی مذکوره و سرکار فیض آثار مقرّر کردیم» (جعفریان، ۱۳۹۸، ج ۲: ۹۲۶ و ۹۳۹). چنان‌که از متن اسناد برمی‌آید، این نوع از وقف، برای امور اجتماعی از قبیل؛ تعمیر اماکن مقدسه، دست‌گیری از نیازمندان استفاده می‌شد.

در دوره‌ی صفویه شیخ بهایی دست راست شاه عباس بوده در کار عملی ساختن طرح عظیم و بلند پروازانه بنای پایتخت بزرگ در اصفهان، با خیابان‌ها، قصرها، دیوان‌خانه، مساجد و

مدارس، بازارها، حمام‌ها، قلعه‌ها و باغ‌ها (سیوری، ۱۵۲). این طرح عظیم که شیخ بهایی در چهره‌ی یک مهندس در طراحی و بنای آن نقش داشت شهر جدیدی را برای زیست مردم رقم زد که بازار پر جنب و جوشی را برای کسب و کار اصناف گوناگون و گذران زندگی آنان پدید آورد (همو، ۱۵۶). در میدان نقش جهان روزها مسگران، کهنه فروشان، خرده فروشان، پیشه‌وران و صنعت‌گران خرده پا و به عبارتی، فروشندگان هر نوع کالا اعم از عرضه کنندگان هر نوع مواد خوراکی و چیزهای دیگر بساط پهن می‌کردند و شب‌ها میدان به محلِ تردّد جمعیت زیادی از بازیگران، شعبده بازان، بندبازان، خیمه شب بازان، قصه پردازان، مسأله گوها، معرکه گیران، نقالان، درویشان و...، بدل می‌شد (شاردن، ۴، ۱۴۲۹ - ۱۴۲۸؛ سیوری، ۱۵۷).

۳٫۳. کاربست در امور فرهنگی

از دیگر کارکردهای این نوع وقف، امور فرهنگی بود. وقف برای حوزه فرهنگی، یعنی، اختصاص دادن بخش عظیمی از موقوفه به مراکز علمی و فعالیت‌های فرهنگی که نشان می‌دهد واقفان به وقف به‌مثابه‌ی یک نهاد فرهنگ‌ساز توجه داشتند و با تامل بیش‌تر در اهداف این نوع از موقوفات، مشاهده می‌شود، که اساسی‌ترین بُعد در بحث سرکار فیض آثار، توجه به توسعه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است؛ چنان‌که بسیاری از موقوفات منسوب به سرکار فیض آثار، با هدف نشر آثار علمی و کتاب‌های معتبر و تاثیرگذار شیعه بوده است. اساسا این وقف‌نامه‌ها نشان‌گر آن هستند، که بخش عمده‌ی تولیدات علمی این دوره در حوزه‌ی دینی و از نظر مذهبی، با نگره شیعی نوشته شده و در این زمینه، حساسیت بسیار زیادی وجود داشته داشت. در واقع، نه‌تنها بیش‌تر کتاب‌ها به ادبیات مذهبی شیعه اختصاص داشت، بلکه تأکید بر استفاده طلاب امامی مذهب شده است. این مطلب در بسیاری از موارد قید شده بود که این کتاب‌ها «بر طلبه و شیعیان اثنی عشری» وقف شده «تا منتفع گردند». اغلب این وقف‌ها در پی‌ثواب اخروی بود و طبیعی است که این ثواب، غالبا تنها، برای کتاب‌های مذهبی و بیش از همه حدیث و فقه و تفسیر، متصور بوده است. در واقع، باید این حرکت را یک حرکت فرهنگی - مذهبی دانست. چنان‌که «تاج‌ماه بیگم در شعبان ۱۲۶۲ق، کتاب‌های برادرش، موسی خان، را وقف کتاب‌خانه سرکار فیض آثار کرده است» (وقف‌نامه شماره ۱۴۰، کتاب وقف کتاب‌خانه آستانه رضوی). برخی تذکره‌نویسان شمار کتاب‌هایی را که وی وقف کتاب‌خانه آستانه کرده، بسیار دانسته‌اند و از کتاب‌خانه‌ی شریفه آن‌چه مصاحف و کتاب‌های علمی بود؛ از فقه و تفسیر و حدیث و امثال ذلک (حسینی عاملی، ۱۳۸۳: ۸۸) از جمله این‌گونه موقوفات هستند. احتمالا به همین دلیل است که کتاب‌خانه‌ی آستان قدس رضوی طی قرون گذشته با این عنوان، کتاب‌خانه سرکار فیض آثار

معرفی شده است.

۴٫۳. کاربست در امور اقتصادی

وقف در جوامع اسلامی، به‌دلیل نقش بسزایی که در فرایند توسعه و پیش‌رفت دارد، از اهمیت والایی برخوردار است. جایگاه وقف در نظام اجتماعی و اثرگذاری آن در بخش اقتصادی، امروزه بیش از پیش روشن شده است. بهره‌برداری مناسب و کارآمد از اموال موقوفه و تغییر و تبدیل آن در زمانی که با کاهش ارزش مواجه می‌شوند، لازمه فعالیت اقتصادی است.

مکتوب عالمان ماوراءالنهر در جواب خدمه‌ی روضه‌ی علیّهٔ متبرّکه حاکی از آن است که بخشی از موقوفات با هدف رفع مشکلات اقتصادی و نیازهای بخش‌های جامعه‌ی مسلمانان است: «باغات اطراف مشهد مقدّس وقف سرکار فیض آثار است که آبا و اجداد حضرت خاقانی وقف کرده، چون آن از جمله دارالحرب است و نزد لشکر اسلام موقوفات معیّن نیست، آن نیز حکم سایر دارد. بنا بر تقدیری که تعیین و امتیاز یابد، مصرف آن‌ها مسلمانان خواهند بود» (حسینی عاملی، ۱۳۸۳: ۶۷) و نیز: «و قاطبت قریه‌ی معینه‌ی دستجرد مهرداران و باغ شمس‌الدین واقع در لنجان من بلوکات تسعه‌ی دارالسلطنه‌ی اصفهان با جمیع توابع شرعیّه‌ی دینیه که به‌موجب قبالجات اسلامیه به‌عنوان عقود لازمه و شروط مبسوطه در آن‌ها به سرکار عظمت آثار خاصّه‌ی شریفه انتقال و به ملکیّت سرکار عظیم الاقتدار اختصاص یافته بود» (جعفریان، پیشین، ج۲: ۹۰۹). هم‌چنین در سند موقوفه دیگری آمده است: «قریه بطنی جرد ...وقفی سرکار فیض آثار است. از قنوات قدیم. آب گوارا و مِلک مرغوب دارد. غلّه و صیفی در آن‌جا خوب می‌شود (میرخواند، ۱۳۷۲: ۵۸۴). «....و جلوس شاهنشاه قاجار آقا محمدشاه بن‌سلطان شهید محمدحسن خان بر سریر سلطنت و تصمیم سفر خراسان ...اموال خاصّه سرکار فیض آثار حضرت امام همام سلطان علی بن موسی‌الرّضا علیه التّحیة و السّلام دراز کرده، بدان زر و سیم اجتماع سپاه عظیم و دعوی مقابله با پادشاه فلک‌جاه ایران همی‌خواهد....» (جعفریان، پیشین، ج۲: ۹۱۹).

برای نمونه، براساس گزارش منابع، طراحی کاریز نجف آباد معروف به قنات زرین کمر به شیخ بهایی منسوب است (ملازاده، ۴، ۶۶۸؛ نبئی، ۴۷۰). هم‌چنین تا جلو خانم، همسر شاه اسماعیل، هزینه ساخت بخش‌های اصلی مقبره، در نظر گرفته شده در خانقاه اردبیل را برای وی تأمین کرد (نیومن، ایران عصر صفوی؛ نوزایی امپراتوری ایران5). ساخت و پنجره‌های نیز، برای ضریح «جنت سرا» به‌علاوه یک گنبد عالی موسوم به در نظر گرفت .۲ برای نگه‌داری ظروف چینی که در دود ۱۴۰۰ قطعه بود و از طرف امپراتور چینی، سلسله مینگ (۱۰۵۳ –

۷۴۶ ق)، به شاه عباس اول، اهدا شده بود، به دستور وی شیخ بهایی چینی‌خانه را که در حدود ۱۲۵۶حفره بود در خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی جهت حفاظت این اشیا بنا کرد. از این تعداد، ۸۳۵ عدد به مهر شاه «بنده شاه ولایت عباس» به‌عنوان و مهری به خط چینی که متعلق به سازنده آن‌ها بوده است ممهور گشت. (موسوی، اردبیل در عصر صفویه، ۱۰۳).

۴. عوامل ماندگاری سرکار فیض آثار

عوامل سیاسی – اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری در استمرار و گسترش سرکار فیض آثار نقش داشته است که در ادامه به مهم‌ترین این عوامل پرداخته می‌شود.

۱/۴. عوامل سیاسی

۱/۱/۴. نقش حاکمان و فرمان‌روایان

عصر صفویان، از دوره‌هایی است که وقف در آن گسترش بسیاری یافت؛ به‌ویژه آن‌که خاندان سلطنتی و به‌تَبَع آن، دولت‌مردان و بزرگان دین، خود از پیش‌گامان این راه بودند. در این دوره مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و کاروان‌سراهای زیادی ساخته و برای هرکدام از آن‌ها، موقوفات قابل توجهی مقرر شد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از افراد، املاک و مستغلات خود را برای مراسم عزاداری و احیای شب‌های متبرک و نیز بر مزارات شریفه و اماکن مقدسه و حتی بر زایران و مسافران عتبات و حرمین شریفین وقف کردند. شاهان صفوی نیز به امور دینی، عالمان و مسایل مذهبی اهمیت می‌دادند.

«در عصر صفویّه، «شاه عباس دوم» نیز در مواقعی که وی در قم بود، آزمایش توپ‌خانه در حضور او انجام یافت و در همین ایّام به «مولا محسن فیض» در نماز جماعت، اقتدا کرد» (فقیهی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). در ارتباط با موقوفات و رسیدگی به کار آن‌ها، توجه به این نکته شایسته است که با توجه به گستردگی موقوفات مربوط به چهارده معصوم(ع)، گویا در دوره‌ی اخیر صفویه، شخصی زیر نظر صدرخاصه، صرفا به کار این موقوفات رسیدگی می‌کرده است (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۰۴). مؤلف زبدة التواریخ که بنا به اظهار خودش در حین نگارش این کتاب در خدمت نادر و فرزند ارشدش، رضا قلی میرزا بوده، استیفای «سرکار فیض آثار» را در مشهد به عهده داشته است. لکهارت به تأسی از مینورسکی پنداشته که سرکار فیض آثار از اداره‌های بخش خاصه در تشکیلات دربار و محمد محسن هم مستوفی همین اداره بوده است: «او در تاریخی که مشخص نیست به خدمت نادر درآمد و به مستوفی یا خزانه‌دار یک شعبه‌ی خاصه معروف به ادارهٔ سرکار فیض ارتقاء یافت» (مینورسکی،۱۳۶۸، ص ۱۴۷).

هم‌چنان‌که در این عبارات، عنوان سرکار فیض آثار برای تشکیلات آستان و دیگر اماکن به کار رفته است. سرکار فیض آثار در همه‌ی دوره‌ی صفویه یکی از نام‌های تشکیلات آستان امام رضا(ع) بوده است: «... بعد از زیارت مرقد منوره، به حال عجزه و رعایا و عمله و خدمت‌کاران سرکار فیض آثار رسیده و سه روز در مشهد مقدس توقف نمود...». و نیز: «... از مالیه‌ی مشهد مقدس سی‌صد و هفتاد تومان برای سرکار فیض آثار امام ثامن ضامن(ع) مقرر فرمودند (قاضی احمد، ۱۳۵۹، ج۲: ۷۵۱ - ۷۵۰).

در سال ۱۱۳۹ ق، به‌موجب یک وقف‌نامه‌ی موجود، چند روستای متعلق به حاجی محمد یوسف ناظر سابق بیوتات سرکار خاصه واقع در شمال ایران، برای طلاب یک مدرسه و «سوخت سرکار فیض آثار حضرت امام رضا(ع) وقف شده است (ذبیحی و مسیح، ۱۳۶۰، ج ۶، ۳۹۸ - ۳۸۹).

عدم کفایت برخی حاکمان در دوره‌ی قاجاریه، سبب هرج و مرج و ضعف نظام اقتصادی شد و از سویی وقف رو به ضعف نهاده شد. هرج و مرج سیاسی نیز، موجب سوءاستفاده سودجویان از غصب موقوفات و عواید آن‌ها شده و نابسامانی‌های اجتماعی را به وجود آورد؛ اما از سویی بسیاری از واقفان برای نیازهای درمانی بیماران و دست‌گیری مستمندان و ایتام، اموال خود را وقف کردند. به همین دلیل در دوره‌ای از حکومت قاجاریه، موقوفات رو به فزونی نهاده بود؛ به‌طوری که در اواخر دوره‌ی ناصرالدین شاه، املاک بسیاری وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه شده است. چنان‌که در منابع تاریخی آمده است که عایدات اسلامی خیلی زیاد بوده؛ به‌خصوص که عایدات موقوفات حضرت امام رضا(ع) که در سراسر کشور شصت هزار تومان نقد و ۱۰۰۰۰ خروار غله ذکر شده است (دالمانی، ۱۳۷۸: ۷۳).

۲/۱/۴. جایگاه روحانیت

با تشکیل حکومت صفوی و با تبعیت از مذهب شیعه امامیه از سوی شاهان صفوی، سلاطین این سلسله به سوی توسعه‌ی فرهنگ وقف و پیش‌گامی آنان به همراه روحانیان و رجال دولتی گرایش پیدا کردند. اصفهان به‌عنوان پایتخت دولت شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق)، اوج ترویج و رونق وقف شد و بسیاری از آثار و بناها بر اثر این موضوع شکل گرفت. نقش آفرینی روحانیان در استمرار وقف، با فرهنگ‌سازی برای مردم و تشویق آن‌ها به‌کار خیر، دادن صدقات وقف به‌صورت داوطلبانه بوده است.

امضای عالمان بزرگ در زیر وقف‌نامه‌ها، نشان از هدایت واقفان و حتی نظارت بر حفظ نیات تولیت بوده است؛ به‌طوری که در عصر صفوی - که نهاد رسمی روحانیت به وجود آمد، - حکومت به تبلیغ مذهب رسمی جدید تشیع پرداخت و به‌دنبال آن، نهاد وقف گسترش یافت.

واقفان با انگیزه‌های مذهبی، اموال خود را وقف می‌کردند و موقوفات بیش از سایر دوره‌ها صرف فعالیت‌های مذهبی می‌شد و متولیان معمولا از میان روحانیان انتخاب می‌شدند. در بسیاری از وقف نامه‌ها، تولیت کتاب، رأسا بر عهده‌ی عالم شهر قرار داده شده است. در مواردی هم که کتاب، وقف خاص است، اغلب آمده است که اگر از اولاد ذکور او کسی وجود نداشت، تولیت کتاب در اختیار عالم شهر باشد.

بنابراین، نقش عالمان شهر در حفظ موقوفات نکته‌ای قابل توجه در این وقف‌نامه‌هاست و نشان‌دهنده‌ی نقش و جایگاه روحانیت در گسترش، هدف‌گذاری و فرهنگ‌سازی در جامعه نسبت به وقف است. جمعی از عالمان شیعه در دوره‌ی صفویه به دعوت شاهان صفوی به ایران آمدند؛ نورالدین علی بن حسین عبدالعالی کرکی عاملی معروف به محقق ثانی ۹۴۰ ه.ق، است که شاه اسماعیل وظیفه داشت هر سال ۷۰ هزار دینار را میان طالبان دانش‌های مذهبی تقسیم کند (خواندمیر، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۴۱ - ۲۴۲). این نشان می‌دهد که شاهان صفوی به تربیت عالمان شرعی شیعه و جلب نظر آنان در ایران توجه و اهمیت می‌دادند و موقوفات در این دوره را به نیات و اهداف مذهبی به‌کار می‌گرفتند. حضور عالمان، موجب شد، تا کانون علمی با محوریت سرکار فیض آثار شکل گیرد. این عالمان به واسطه‌ی شهرت پرهیزگاری و درجه‌ی والای علمی شان به فرمان شاه صفوی، به مُدَرِسی یا خادمی مرقد مطهر اشتغال داشتند و عالمانی مانند حکیم عمادالدین محمود، ملاعلی مذهب و مولانا افضل قاینی سبب گسترش علوم فقه و تفسیر و کلام و علوم عقلی و از سویی جذب طالبان علم از نواحی مختلف می‌گردیدند. همین امر سبب تاثیر وقف بر جامعه و ماندگار شدن آن می‌شد. وظایف ملاباشی، از مناصب اواخر صفویه، که در واقع در رأس همه روحانیان قرار داشت، نیز زمینه‌ی تعامل دارنده‌ی این منصب را با مردم نشان می‌دهد. از جمله وظایف او رسیدگی به حقوق طلاب و نیازمندان، رفع تعدی از مظلومان، شفاعت مقصران، تحقیق مسایل شرعی و تعلیم ادعیه و امور شرعی و تقسیم وجوه بِرّ و صدقات میان نیازمندان بود (میرزا سمیعا، ۲ - ۱؛ میرزا رفیعا، ۱۷۳). تولیت بقاع متبرکه شامل مساجد و مقابر امام زادگان، شیوخ، مقدسین صاحب کرامت و عالمان مشهور برعهده متولیانی از زمره‌ی عالمان دین بوده است. مؤذنان، قاریان و خادمان مساجد نیز، در زمره‌ی روحانیان بودند. این عالمان از منبر برای وعظ مردم استفاده می‌کردند. پیش نمازی مساجد خود موجب جلب توجه و اقبال عمومی مردم می‌شد. روزهای جمعه نیز نماز جمعه برگزار می‌شد (کمپفر، ۱۳۲ - ۱۲۸). وظایف این متولیان به‌ویژه تولیت آستان امام رضا(ع) (میرزا رفیعا، ۱۷۶ - ۱۷۵)، آستانه حضرت معصومه(ع) (همو، ۱۷۷) و آستانه حضرت عبدالعظیم (همو، ۱۷۸) که از عالمان دینی بودند، زمینه تعامل

اجتماعی آنان را با مردم میسر می‌ساخت.

۳/۱/۴. نقش زنان تاثیرگذار

بانوان نیز، در این سنت حسنه وقف، همواره حضوری فعال و تأثیرگذار داشته‌اند؛ چه زنان دربار؛ اعم از مادران، همسران و دختران پادشاهان و یا زنان امیران و حاکمان، عالمان و دانشمندان و حتی بانوان دیگر اقشار جامعه، که همگی در این زمینه نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کردند. برخی از این نهادها و مراکز علمی - معنوی که زنان واقف و نیکوکار ایجاد کرده‌اند، هنوز هم باقی مانده و منشأ خیرات و برکات متعددی شده است.

از جمله زنان فعال در این عرصه، «حوا بیگم»؛ چهارمین دختر شاه عباس اول متولد سال ۹۹۶ هجری است (خوشنودی، ۱۳۹۲: ش ۸۳) که از بانوان واقف در عصر صفویه به شمار می‌آید. در میان نام‌های واقفانِ گنجینه‌ی نفیس آستان قدس رضوی، نام زنانی که نسخه‌های خطی را به این کتاب‌خانه وقف کرده‌اند، دیده می‌شود. یکی از این افراد «تاج ماه‌بیگم»، دختر میرزا عیسی قایم مقام؛ مشهور به سیدالوزیران است. میرزا عیسی اهل هزاوه فراهان و وزیر آذربایجان بود. خاندان قائم مقام از دوران صفویه و زندیه در کار دیوان و سیاست بودند و از ملاکین بزرگ مملکت به شمار می‌رفتند. تاج‌ماه بیگم، به همراه برادر خود، میرزا موسی خان، که در دوره‌ای تولیت آستان قدس رضوی برعهده او بود، وقف‌های مهمی در شهر مشهد داشتند. اسناد این وقف‌نامه‌ها در کتاب‌خانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود است. حتی زنان در دوره‌ی قاجاری مانند: حاجیه هاجر خاتون، شرف نساء، خانم و حاجیه خاتون خانم، و حاجیه سارا سلطان، تهیه کتاب درسی مورد نیاز محصلان، حافظان قرآن و حدیث و پرداخت هزینه‌های تحصیلی به دانشجویان و تعمیر ساختمان‌های مدارس را در وقف‌نامه‌های خود آورده‌اند (ورنر، ۱۳۷۸: ۱۱۶ - ۱۱۸).

۲/۴. عوامل اجتماعی

از ارکان اصلی وقف‌نامه‌ها، ذکر نام متولی آن است. در این زمینه، به‌جز مواردی که تولیت برای اولاد ذکور نگه‌داری شده، وقف در اختیار اعلم عالمان شهر قرار داده شده است؛ اما هم نام شخص خاصی از عالمان یا پادشاهان برده شده و تولیت در اختیار آنان قرار گرفته است. در یک مورد، که وقف کتاب‌های استنساخ شده به سرمایه ناشی از درآمد حمام نقش جهان بوده، تولیت در اختیار علامه مجلسی و پس از وی آقا جمال و آنگاه برخی از عالمان خاندان خاتون آبادی بوده است. در این موارد، واقف، عملاً شاه سلیمان است که آن حمام را ساخته و وقف کرده است.

بنابراین، دیگر نام واقف جز در مواردی که اشاره به شاه‌سلیمان می‌شود، در وقف‌نامه ندارد و تنها اشاره می‌شود که تولیت با علامه مجلسی و پس از وی با دیگری از عالمان اصفهان است. بسیاری از اشخاصی که در اصفهان وقف کتاب می‌کردند، آن‌ها را در اختیار برخی از عالمان شهر قرار می‌دادند. خاندان خاتون آبادی که به وفور در میان آن‌ها عالم دین بود، در عصر صفوی، کار تولیت این آثار را برعهده داشتند. نام شماری از آن‌ها در وقف‌نامه‌ها وجود دارد. «طبق حکم شاه عباس در سال ۱۰۲۴ ق، دو عشر مالیات اراضی مزروعی کلات وقف آستان قدس شده است. وقف سرکار فیض آثار وا گذاشتم که عالی‌جاه تولیت و اقبال پناه متولی آن سرکار موهبت مدار، هر ساله مقدار ده خروار غله را برای مدد معاش یک‌نفر طالب علمی که به زیور صلاح و سداد آراسته باشد و تواند که با امام جماعت آن جا قیام نماید که تعیین کند داده باشد و تتمه را بعد از وضع یک عشر حق‌التولیه شرعی خود به مصارف مقرره از خرج شماع خانه منوره و راتبه واسعه و ارباب وظایف برساند (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۸۲۵۱۰).

شاه عباس اول، چهارده مُهر به اسم چهارده معصوم(ع) به صدر خاصه داد که در معاملات مربوط به اداره وقف‌های تفویضی از آن‌ها استفاده کند. صدر، نماینده شاه در تمام موارد مربوط به این‌گونه بذل و بخشش‌ها بود (فلور، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

شعائر شیعی از آن جمله زیارت بقاع متبرکه نقش و اهمیت به سزایی در این دوره پیدا کرد و به زودی تبدیل به یکی از ارکان مهم این حکومت گردید به‌طوری که شاهان صفوی برای نشان دادن عظمت آن و کسب مشروعیت سیاسی حتی با پای پیاده به زیارت سرکار فیض آثار اردبیل و مشهد می‌شتافتند (ترکمان ۱۳۸۲، ج۲: ۶۱۰).

«شیخ فضل‌الله عرب فقیه از جمله صالحان و متقیان مشهد مقدس معلی و از آن سرکار فیض آثار موظف بود به‌غایت متقی و پرهیزگار خود را از جمله‌ی عدول شمرده در مسجد جامع النفس فاضل پرهیزگار به غایت خلیق و پاکیزه روزگار بود و پدرش ملا عنایت در زمان حضرت شاه جنت‌مکان مدت‌ها در دارالسلطنه تبریز شیخ‌الاسلام و وکیل حلالیات سرکار فیض آثار منصوب گشته، او نیز به طبابت سرکار فیض آثار مأمور گشته مدت‌ها در مشهد مقدس معلی به معالجه‌ی مرض مشغولی.اعتقاد تمام داشت چون شاه جنت مکان در رواج و رونق آستانه‌ی مقدسه حضرت امام الجن و الانس به اقصی‌الغایه توجه مرعی داشته از هر طبقه آن‌چه بهتر بود به‌خدمات آن سرکار بالجمله موکب همایون اعلی سه روز در مشهد مقدس بجهة نظم و نسق سرکار فیض آثار توقف فرموده، تولیت آن سرکار را به‌قاضی سلطان تربتی که از سادات تربت حیدریه‌ی خراسان است (منشی، ۱۳۷۷، ج۱ و ۲: ۱۲۳،۱۱۷، ۳۹۱). نقش بسیار برجسته و پررنگی در هم‌گرایی و

هم‌بستگی اجتماعی داشتند و گروه‌های بسیاری از عالمان، فاضلان، سادات و مردم عادی بر حسب نگرش مذهبی در جوار سرکار فیض آثار اسکان یافته و هنرمندان بسیاری همانند میرعماد، میرقوام الدین و محمد اسماعیل در اردبیل و کمال‌الدین و علیرضا عباسی 3 در مشهد در این اماکن مقدس آثار ارزش‌مند هنری و معماری خلق کردند.

۳٫۴. عوامل فرهنگی

۱٫۳٫۴. نذورات؛ ملک‌الله

در جوامع انسانی، کارهای خیرخواهانه افراد، به‌منزله‌ی بخشی از زندگی آن‌ها به شمار می‌آید که مورد پسند عامه بوده و در دین و زندگی آن‌ها اثرات مثبتی می‌گذارند؛ به دستور شهریاران (سال‌های ۱۱۰۵ تا۱۱۱۰ ه.ق، پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی شرح سوانحی که از رفتن آن شاهزاده‌ی والاتبار در عرض راه رخ نموده {است} در میانش بوده به‌عنوان نذر و نیاز به سرکار فیض آثار آورده در اندرون قبه‌ی رفیعه‌ی.و روز عید مبارک غدیر نیز به دستور عید اضحی از شیلان سرکار فیض آثار دوازده قاب طعام به‌منزل شهزاده‌ی رفیع مقام می‌فرستند. «مسموع شده که هرگاه کسی مساعده خواهد از سرکار فیض‌آثار قرض داده می‌شود». در جواب گفته که: «الملك للّه ... مشرف گردیده در خصوص استقرار و استمرار موقوفات و مستمریات و سیورغالات سرکار فیض آثار آستانه‌ی مقدسه‌ی متبرکه‌ی منوره...و به مزارات کثیر البرکات است و از بواطن فیض مواطن ایشان طلب معاونت و استمداد می‌طلبد و تمامی موقوفات و مستمریات و سیورغال/ سرکار فیض آثار و سیورغالات و مقرری متولی جلیل القدر و وظایف خدام آن سرکار فیض آثار را از قرار ارقام و احکام پادشاهان..» (منشی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۶۵۴). «به دستور عید اضحی از شیلان سرکار فیض آثار دوازده قاب طعام به منزل شهزادۀ رفیع مقام می‌فرستند...فیض آثار آورده در اندرون قبه‌ی رفیعه‌ی (۱۰۲ آ) منوره می‌آویزند و چهل‌چراغ بلوری نیز آورده به موجب سفارش آن والاجاه، درون روضه‌ی مقدسه شمع‌ها گذاشته روشن و نمونه‌ی.موقوفات و نذور آن سرکار مصرف بسیار دارد» (مدرسی، ۱۳۵۳، ج۱: ۳۷۴).

در سندی دیگری آمده است: «آغاز سال میمنت ...روز دیگر سلاطین‌زاده‌ها و اعیان اوزبکیه رفیق ایشان محقر پیش‌کشی که داشتند گذرانیدند از جمله پیش‌کش یک قطعه الماس گران‌بها بود که از نذورات سرکار فیض آثار.رسانیدند و چون بر ضمیر منیر اشرف ظاهر شد که نذر سرکار فیض آثار بوده، تصرف در آن نفرموده به‌صدور و عالمان سپردند که برای سرکار فیض آثار ضبط نمایند و عالمان به مصلحت عدول مومنان تجویز فروختن کردند که به قیمت آن املاک مرغوب

خریده شود که حاصل آن‌ها در مصارف آن سرکار صرف شود. بنا بر آن به ولایت روم فرستاده در استنبول به قیمت عادله‌ی مقومان جوهری فروخته قیمت به سرکار فیض آثار فرستادند (منشی، پیشین، ج۲: ۴۲). «....متولی جلیل‌القدر آن سرکار حسب المسطور مقرر دانسته، تقویت و تمشیت و اعزاز و احترام سیادت و نجابت‌پناه مشارالیه به تقدیم رساند و حق الارض و نذورات آن سرکار فیض آثار همه‌ساله به قرار سنوات سابقه مقدار ده خروار غلهٔ مستمری کم‌ترین را از بابت مقدار یک‌صد خروار که در وجه خادمان سرکار مقرر است به انضمام عشر مداخل سرکار...» (مدرسی، پیشین: ۲۷۳ و ۲۳۴).

اسناد مذکور نشان می‌دهد که گروه‌ها و قشرهای مختلفی از حاکمان و عالمان و سادات اموال منقول و غیرمنقول را نذورات و ملک‌الله می‌دانستند و به صرف سرکار فیض آثار می‌رساندند.

۲٫۳٫۴. گسترش دانش و میراث علمی - مدارس

معمولا برای حفظ و باقی ماندن ذخایر نفیس علمی در کتاب‌خانه‌های شخصی و عمومی، وقف صورت می‌گرفت، تا برای نسل‌های آینده ماندگار باشد. اولین صحیفه‌های وقفی در کتاب‌خانه‌های حرم امام رضا(ع)، قرآن وقفی منتسب به ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر وزیر و صاحب دیوان عرض سلطان محمود غزنوی است که در ربیع‌الاول سال ۳۹۳ ق، وقف آستان رضوی کرده است و هم اکنون ۱۳۰۶ سال از تاریخ وقف آن می‌گذرد (گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۳۷۰ و ۳۵).

این‌گونه وقف‌نامه‌های کتاب را می‌توان در دو بخش تقسیم کرد؛ که محل نگه‌اری آن‌ها مشخص است؛ یعنی، برای مدرسه، یا آستانه‌ی خاصی وقف شده است. در این زمینه، برخی از مکان‌ها به‌لحاظ مذهبی یا آموزشی، ویژگی خاصی دارد؛ برای مثال، آستان قدس، برای شاه عباس و بسیاری دیگر مهم بود. همین طور، برای شاه سلطان حسین، مدرسه چهارباغ نهایت اهمیت را داشت.

از مشهورترین زنان واقفِ کتاب، مریم بیگم است که درباره وی، مقالات مستقلی هم نوشته شده است. او چندین مدرسه ساخت و برای آنها کتابخانه‌هایی هم ایجاد کرد. این کار به‌ویژه برای مدرسه‌ای است که در وقف‌نامه‌ها از آن با عنوان «مدرسه احداثیه واقعه در خارج درب دروازه حسن‌آباد اصفهان» یاد شده است. این وقف‌نامه‌ها تقریبا با یک مضمون نوشته شده و نمونه‌ای از آن که روی نسخه‌ای از صافی فیض کاشانی است، بدین شرح است: «... مخفی نماند که نواب مریمی ادای فاطمی القاب خورشید احتجاب قمر رکاب، زبده شاهزاده عالمیان، وقف نمود این

کتاب را با سایر کتاب‌های دیگر که ظَهر هر کدام آراسته است به این شرح، بر سکنه حجرات مترددین مدرسه احداثیه واقعه در خارج درب دروازه حسن آباد اصفهان و بر کافه شیعیان امامیه اثنی عشریه خواجه از جمله ساکنین و مترددین مدرسه مزبور باشند و خواه نباشند، بشرط آن‌که از اصفهان بیرون نبرند و بعد از قضای وطر، باز به مدرسه مزبور آورده، تسلیم کتاب‌دار مدرسه مزبوره نماید. مقرر آن‌که تولیت وقف مزبور با نواب واقفه‌ی موقفه معظم‌الیها و بعد از ایشان با پادشاه عصر که متولی سایر موقوفات و کتاب‌خانه مزبوره است، بوده باشد. فمن بدّله من بعهد ما سمعه فإنما اثمه علی الذین یبدلونه، تحریراً فی ۸ شوال ۱۱۲۹»

تعلیم و تربیت از مسایل مهم و اساسی هر جامعه است، که در زمره‌ی نیازهای ضروری به شمار می‌رود. موقوفه‌های عام‌المنفعه‌ای برای بهبودی رفاه مردمی مانند مساجد، مکتب خانه‌ها، مدارس علمی وقف سرکار فیض آثار می‌شد. واقفان در طول تاریخ توجه ویژه‌ای به وقف داشته‌اند؛ به‌طوری که اولین مدرسه‌ای که در اسلام می‌توان از آن نام برد، مدرسه بیهقی است که اهالی نیشابور آن را در این شهر بنا کردند. امیر نصر سبکتگین و برادرش (سلطان محمود) هر یک، مدرسه‌ای در این شهر نیز بنا کرده‌اند. مدرسه نظامیه هم در اواسط قرن پنجم به‌دستور خواجه نظام‌الملک طوسی در بغداد تاسیس شد. خواجه هم‌چنین در اصفهان، نیشابور و هرات مدارسی را بنا کرد. در اواخر دوران صفویه و عصر حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ ه ق)، کلیه‌ی اراضی و املاکی که شرعا ممکن بود وقف شود، جزو موقوفات قرار گرفته بود و این باعث شد که برای پشتوانه‌ی مالی برای مدارس و مساجد اصفهان، حتی در شهرهای دیگر، مانند کاشان و یزد و...، زمین و یا سایر مستغلات را خریداری کنند و آن‌ها را جزو موقوفات آن اماکن قرار دهند که تا کنون نیز در آن حدود موقوفاتی به‌نام مساجد و مدارس صفویه موجود است (سپنتا، ۱۳۴۶: ۳۳۹). در دوره‌ی صفویان، مدارس علمیه بسیاری به‌ویژه در شهرهای مذهبی مانند: قم، مشهد و اصفهان (که پایتخت آن دوره بود) با استفاده از معماری و هنرهای اصیل اسلامی ساخته شده که قریب به اتفاق این مدرسه‌ها وقفی بوده‌اند. برخی از این مدارس هم اکنون نیز موجود است و وقف‌نامه‌ی آن‌ها در اداره‌ی اوقاف نگه‌داری می‌شود. مدرسه‌ی نواب در شهر مشهد در زمره‌ی این مدارس است که توسط یکی از نقیبان سادات رضوی به‌نام «میرزا ابوصالح نواب» در سال ۱۰۸۶ ق، بنا شده است (علیزاده، ۱۴۰۰، ۷۰۰).

۳٫۳٫۴. عبادی‌بودن سرکار فیض آثار

مکتب اسلام با تعریف عبادات و واجب شمردن انواع آن و با مشخص کردن گناهان و حرام دانستن آن‌ها، گرایش مسلمانان را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ به‌طوری که عبادات را برای آنان

مطلوب و گناهان را نامطلوب می‌گرداند. در دوره‌های گوناگون، افراد با ایمان و خیّری که به جایگاه و مقاماتی رسیده‌اند که خود مروج فرهنگ وقف بوده و برای کمک و آبادانی و نیز در جهت کسب رضای خداوند و اجرای فرامین وی، موقوفاتی را در مناطق تحت فرمان‌روایی خویش برای امور عام المنفعه و خیریه وقف کرده‌اند. موقوفه‌های عام‌المنفعه‌ای برای بهبودی رفاه مردمی مانند مساجد، مکتب‌خانه‌ها، مدارس علمی، حمام‌های عمومی، بیمارستان‌ها و بوستان و باغ‌ها داشته‌اند. در سال ۱۱۶۱ ه.ق، امیر معصوم خزینه؛ یکی از فرزندان امیر اسماعیل خان خزیمه در بیرجند، از محل موقوفات امیر علم خان اول، حوزه‌ی علمیه‌ی معصومیه را ایجاد کرد. این مدرسه محل تربیت طلاب علوم دینی بود که در حجره‌های آن سکونت اختیار کرده و از محل موقوفات اولیه و کمک‌های مردمی زندگی می‌کردند (گنجی، ۱۳۸۳: ۳۵).

در زمینه‌ی فعالیت‌های مذهبی برخی فرمان‌روایان؛ به‌ویژه شاهان صفوی این نکته وجود دارد که آن‌ها اهمیت زیادی به عمران و آبادی و مسایل مذهبی داشتند. پادشاهان صفوی برای تقدیم نذورات و صدقات خود با عنایت ویژه‌ای که به بارگاه امام رضا(ع) داشتند، موقوفات خود را در قالب سرکار فیض آثار نشان می‌دادند و زمانی که ازبیک‌ها به خراسان هجوم آوردند و شهر از جمله مزار را چپاول کردند، در این خصوص لشکریان عبدالمومن خان؛ فرمان‌روای ازبیک، اموال مرقد که شامل: قنادیل مرصع طلا و نقره، شمع‌دان، مفروشات، ظروف چینی و کتاب‌خانه‌ی بی‌نظیر سرکار فیض آثار را که حاوی مصاحفی به خطوط مبارک امامان شیعه و دانشمندان برجسته مانند یاقوت حموی بود، همه را غارت کردند. این اقدامات سبب شد شاه عباس اول به مطلا کردن مجلد گنبد امام رضا(ع) بپردازد و برای جبران خسارت وارده به کتاب‌خانه سرکار فیض آثار، کتاب‌خانه‌ی شخصی خود را که حاوی کتاب‌های عربی و علمی در حوزه‌های فقه، تفسیر و حدیث بودند، وقف سرکار فیض آثار کند. حتی به توسعه‌ی صحن حرم پرداخت و خیابانی از دروازه‌ی غربی تا شرقی شهر طرح و اجرا کرد و از سویی برای رفع کمبود آب سکنه‌ی مشهد و زایران حرم از چشمه‌ها، قنوات نو احداث و به شهر آوردند (منشی، ۱۳۸۲، ج۱: ۱۲۱).

به پیروی از اقدامات شاهان، شاهزادگان و احکام ایلات نیز نذورات و صدقات خود را به مصارف سرکار فیض آثار اختصاص می‌دادند. شاهزاده سلطان میهن بانو (خواهر کوچک شاه طهماسب اول)، جواهرات و ظروف چینی خود را نذر کرد (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۴۲).

۴٫۴. عوامل اقتصادی

۴٫۴٫۱. عمل خیرخواهانه

وقف، از جمله امور اقتصادی است، که با هدف خیرخواهانه و از آغاز زندگی مدنی بشر با او همراه بوده است. موقوفات مکان‌های متبرکه و مدارس و مساجد، که از صدور بود، «تولیت اوقاف سرکار خاصه آن حضرت [عباس اول] که بر حضرات عالیات چهارده معصوم(ع) وقف کردند» (جعفریان، ۱۳۹۸، ج۱: ۲۰۴). گرفتن مالیات از زمین‌های اربابی و اوقافی از جمله دیگر مالیات‌هایی بوده که در دوره‌ی زندیه کسب می‌شده است. میزان این مالیات بین ۱۵ تا بیست درصد متغییر بوده و در اغلب مواقع به‌صورت محصول به دولت پرداخت می‌شده است (رجایی، ۱۳۸۶: ۲۵۱). بنابراین، عموما فلسفه‌ی وجودی وقف «سرکار فیض آثار» برای رفع نیازهای دیگران بوده است و در حقیقت واقف فقیران و محرومان را در روزی و معاش خود شریک می‌کرد و قسمتی از اموالی را که خداوند به وی هدیه داده بود، در راستای مصالح آن‌ها قرار می‌داد. واقف از این لحاظ، نوعی مساوات و ایثار در توزیع داشته و هم مواسات و فداکاری و نیز موجبات سفارش امامان اطهار(ع) و تاکیدات آن‌ها را در عمل تحقق می‌بخشید.

۴٫۴٫۲. ایجاد صندوق و مُهر

اهمیت نهاد وقف، در عصر صفویه؛ به‌ویژه در دوره‌ی شاه عباس اول به نحوی بوده است، که شاهان به اعتماد السلطنه حاتم بیک و میرزا رضی در اصفهان دستور داده بود، که چهارده مُهر به اسم چهارده معصوم(ع) تهیه کنند و آن مُهرها را به میرزا رضی وزیر خود بسپارند تا این‌که داد و ستدها و معاملات اوقافی را با آن مُهرها مهمور کنند و پادشاه صفوی معمولا اصرار داشت که هیچ‌یک از املاک اراضی و خانه‌ها و سایر دارایی‌های او را از وقف خارج ننمایند و گفته بود در جمیع اشیا؛ لیکن مشروط به آن است که به هر مصرفی که رای صواب نمای اشراف که متولی آن‌هاست، اقتضای نمایند (ترکمان، پیشین، ج۲: ۷۶۱). متولیان و واقفان شاهان، شاه‌زادگان، حاکمان، والیان و رجال سیاسی (که عهده‌دار منصب سیاسی و دولتی) بودند و از سویی کارگزاران موقوفات متولی - ناظر و خادم‌ها - طبقه‌ی اعیان و اشراف جامعه بودند. در وقف‌نامه‌ای آمده است: «بعد [از خود] تولیت را مفوض ساخت به مدرسه مزبوره، به نظارت متولی مدرسه، به شرط آن‌که هرگاه تولیت با غیر آن جناب باشد، [کتاب‌ها را] از مدرسه مزبور بیرون نبرند و ناظر به هر سه ماه ملاحظه کتاب‌های وقفیه نماید که تلف نگردد و متولی بدون قبض و نوشته، کتاب‌ها را به کسی ندهد و سه ماه بیش‌تر نزد کسی نگذارد مگر به اذن جدید». مُهر دوم با نقش: «محمد

رسول‌اللّه»، باید از آن میرزا محمد بروجردی باشد که «از جمله مستوفیان عظام دفترخانه همایون» بود و پس از مرگ عقیل علوی «منصب استیفای ممالک محروسه» به او واگذار شد (گلشن مراد، ۱۳۶۹: ۲۳۱).

وقف‌نامه کتاب‌خانه‌ی مدرسه‌ی چهارباغ، روی نسخه‌ای از سیره‌ی ابن هشام است که در سال ۱۱۲۰ ق، وقف شده است. این کتاب، به‌همراه کتاب‌های فراوان دیگر، پس از تأسیس مدرسه چهارباغ، از سوی شاه‌سلطان حسین، وقف شده است. در این متن، نام واقف، همین شاه صفوی است که مُهر او نیز در پایان وقف‌نامه است، مُهری که در بیش‌تر وقف‌نامه‌هایی که برای این کتاب‌خانه نوشته شده، دیده می‌شود. ضمن تأکید بر جنبه‌ی وقف‌بودن کتاب و شروط خاصی که پادشاه برای حفظ و حراست از آن گذاشته، از خوانندگان کتاب خواسته شده است، تا برای پادشاه دعا کنند. لازم به یادآوری است که القاب ویژه شاه در ابتدا و انتهای این وقف‌نامه دیده شده و دعا برای دولت او و این‌که متصل به دولت امام زمان(ع) باشد، در همان آغاز آمده است. «قریه شاه‌آباد و جزستان...از قنوات قدیم. وقفی سرکار فیض آثار است. غله‌ی متوسطی دارد....قریه زعفرانی ...قدری وقف سرکار فیض آثار است و قدری ملک. صیفی او بیش‌تر خربزه است» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۱۳۷).

مهر دوم با نقش «محمد رسول‌اللّه» باید از آن میرزا محمد بروجردی باشد، که «از جمله‌ی مستوفیان عظام دفترخانه همایون» بود و پس از مرگ عقیل علوی «منصب استیفای ممالک محروسه» به او واگذار شد (ابوالحسن غفاری، ۱۳۶۹: ۲۲۷). مهر دیگر، نقش «عبده محمد جعفر الحسینی، ۱۱۷۴» را دارد. این شخص در سال ۱۱۷۷ وکیل اصفهان بود و بعد از مرگ میرزا عقیل، به وزارت دیوان اعلا رسید و هم‌چنین صاحب مهر بعدی با نقش «عنایت‌اللّه ابن محمد ابراهیم» شناخته نشد. این مهر، تنها نام «باقر» را دارد و باید از آن باقر خان حاکم اصفهان باشد. در گلشن مراد درباره وی آمده است: «اصل مولد و منشأش از خراسکون اصفهان [بود] و در عهد سلطنت نوّاب مغفرت نشان، از مرتبه‌ی کدخدایی بلوک خراسکون به مرحله دار السلطنه اصفهان رسید».از این مهر، تنها کلمه «الحسینی» خوانده می‌شود و شاید از آن میرزا جعفر حسینی ـ پسر عموی میرزا محمدجعفر حسینی یاد شده (وزیر دیوان اعلی پس از قتل میرزا عقیل) ـ باشد (گلشن، پیشین: ۶۸۸ - ۲۳۱) از این فرد، اشعاری نقل شده و تخلّص شعری او «صافی» است (ابوالحسن غفاری، پیشین: ۲۳۱ و ۴۱۲ و ۶۸۸).

نکته‌ی آخر که باید بدان اشاره کرد، عبارت «سرکار فیض آثار» در متن سند است که منظور از آن، به استناد سندی از دوره‌ی صفوی، موقوفات آستان قدس رضوی است (ر. ک: پژوهشی در

تشکیلات دیوان اسلامی، ۱۸۷ و ۲۰۰؛ تذکرة الملوک، ۱۴۷).

۳٫۴٫۴. اماکن متبرکه

از شیوه‌های ماندگاری و مستمر «سرکار فیض آثار»، تاسیس مدرسه، مسجد، حمام، تیمچه، کاروان‌سرا و قصرها علاوه بر اعتبار دنیوی، سبب باقیات الصالحات برای واقفان بوده است. از اوقاف قدیمه‌ی سرکار فیض آثار، «معصومه‌ی طاهره علیها و علی آبائها الکرام الف سلام و تحیه» است و در طوامیر و دفاتر وقف‌نامه‌جات و مستوفیان سرکار فیض آثار ضبط.به عرض مقدس بندگان عالی می‌رساند که به‌خصوص قنات علی آباد واقعه در سراجه سرکار عالی از جمله املاکات وقفی سرکار فیض آثار می‌دانید یا خیر؟...هرگاه وقف بودن قنات معروضه به سرکار شریعت‌مدار عالی محقق است، دو کلمه حقیقت مراتب معروضه در فوق عریضه مرقوم و به مُهر مهرآسا مزین کنید که عندالحاجة حجت» (مدرسی، ۱۳۵۳، ج۱: ۳۶۵).

مدرسه‌ی علمیه‌ی تاریخی عباس‌قلی خان، تنها مدرسه‌ی تاریخی که با همان بنای نخستین و کاشی‌کاری‌ها و نمای اولیه هم‌چنان پس از چهارصد سال فعالیت و تربیت هزاران طلبه و دانش‌پژوه در کنار حرم مطهر حضرت رضا(ع) باقی مانده است. این مدرسه در سال (۱۰۷۷ ق)، توسط عباس‌قلی خان شاملو بیگلربیگی زمان شاه سلیمان صفوی احداث و وقف طلاب علوم دینی شده است. عباس‌قلی خان در محرم ۱۰۷۸ رقبات بسیار زیادی را در شهرهای مشهد، تربت جام، باخرز، هرات، بادغیس و فراه وقف مدرسه می‌کند. در حال حاضر اداره‌ی اوقاف، مسؤولیت موقوفات آن را بر عهده دارد. رقبات موقوفه‌ی عباس‌قلی خان بالغ بر هفتاد مزرعه، کاروان‌سرا، تیمچه و دکان بوده است (اعتماد التولیه، ۱۳۸۰: ۱۴). اکنون از آن همه موقوفات، تنها یک مزرعه به‌نام یاقوتی در تربت جام و مقداری زمین باقی مانده است (شیبانی، ۱۳۸۰: ۱۳). جهان خانم ملقب به «مهد علیا» از نوادگان دختری فتح‌علی شاه بود. او به خط خودش در وقف‌نامه‌ای، مدرسه و مسجد دروازه‌ی دولت را در تهران وقف کرد. در اصل پدرش این‌جا را وقف کرده بود و مهد علیا با وقف شش هزار تومان به بازسازی آن‌جا مبادرت ورزید و نُه هزار تومان نیز برای خرید املاک اطراف مدرسه برای توسعه‌ی آن پرداخت کرد (خان‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۲، ۲۵ - ۳۲).

حاجی میرزا موسی خان معظم الیه، اهتمامات به کار برد و املاک و رقبات موقوفات را، چه در مملکت خراسان، چه در سایر ممالک که از تصرّف وقف بیرون رفته بود، به تدابیر صائبه باز به حیطه‌ی تصرف درآورد. در هر ولایت که موقوفات سرکاری را داشت، معتمدی از خدمه‌ی آستانه‌ی مقدّسه را به ضبط و ربط آن برگماشت و قرارهای مطلوب در کار نظم روضه‌ی مطهّره گذاشت. مداخل سالیانه‌ی سرکار فیض آثار را یک بر ده افزود و مخارج را نیز به اندازه‌ی مداخل

زیاد کرد. جمعیّتی از عمله و خدّام حضرت، شب و روز بر سر خدمت حاضر و آماده گردید و نظم کار دارالحفّاظ و خزانه و فرّاش‌خانه و چراغ‌خانه و آش‌خانه و اطعام روزان و شبان بر فقیران و غریبان و متردّدان و نظام کار دارالشّفا و پرستاری مرضای هر سرزمین به سر حدّ اعلا رسید. وجوه نقد که [از] اخراجات خارج و داخل زیاد آید، همه ساله در خزانه‌ی سرکار فیض آثار مخزون است و مایعرف و مایملک اکثری از اهل آن مملکت به سبب احتیاج به استقراض در خزانه‌ی سعادت نشان مرهون. فقیران غریب و بومی، از مجاور و مسافر، هریک وظیفه و انعامی معیّن دارند و مباشران آن دربار، دقیقه [ای] از دقایق را نامرعی نمی‌گذارند. امید که همواره این نظم بر دوام و از اجر اخروی شادکام باد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج۲: ۸۴۳).

نتیجه‌گیری

وقف، به حسب اعتبارات مختلف مانند: زمان، شکل، موقوف علیهم، نوع و مانند آن تقسیم بندی‌های گوناگونی شده است. مرور سیر تحولی موقوفات و تنوع آن‌ها، نشان می‌دهد در هر دوره‌ای از زندگی اجتماعی مسلمانان، بنا بر مقتضیات زمانه، نوع خاصی از وقف، بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است. چنان‌که، وقف آب و قنات، در زمانه خشک‌سالی، یا وقف اماکن برای مدرسه یا طبابت و نیز وقف محصولات باغات و کشاورزی برای احیای اماکن متبرکه متناسب با شرایط هر عصر از حیات اجتماعی و حکومتی مسلمانان وفور بیش‌تری داشته است.

چنان‌که گفته شد، «سرکار فیض آثار»، نوعی از وقف رایج در عصر صفوی بوده است که مورد توجه پادشاهان و افراد وابسته به دربار و نیز منسوبان آن‌ها در بلاد اسلامی بوده است؛ خاصه در شهرهایی‌که اماکن مقدسه و متبرکه در آن‌جا موجود داشت. چنان‌که بخشی از موقوفات آستان قدس رضوی بدین نام شهرت داشته‌اند. به نظر می‌رسد، گاهی شهرت و غلبه اسمی مال موقوفه، سبب می‌شد که سرکار فیض، بخشی از کل موقوفات قلم‌داد شود یا حتی عنوانی برای متولی این نوع از وقف بیان شود.

می‌توان گفت: به‌طور کلی، وقف در عصر صفوی دوره‌ای از خود شکوفایی را سپری کرده است و گسترش فرهنگ وقف در این دوره، سبب شد تا جامعه مسلمانان شاهد موقوفات متعدد، با نیّات و اشکال گوناگون باشد و بالطبع، آثار متعددی را نیز، به‌دنبال داشته است. این وضعیت در ادوار بعدی هم‌چون عصر قاجار نیز تداوم یافت و امروزه موقوفات باقی‌مانده زیادی از این عصر مشاهده می‌شود.

عوامل زیادی در ایجاد وقف از نوع «سرکار فیض آثار» موثر بوده‌اند که می‌توان به عوامل: سیاسی، مانند گسترش نفوذ و مقبولیت اجتماعی و تسلط و اشراف بر اماکن مقدسه؛ اجتماعی مانند: کمک به نیازمندان و زائران؛ فرهنگی و علمی مانند: رشد و تبلیغ فرهنگ شیعی، حفظ اسناد و کتاب‌ها و اقتصادی هم‌چون: تامین هزینه‌ها و پشتیبانی از اماکن مقدسه اشاره کرد.

در ماندگاری وقف «سرکار فیض آثار» نیز عوامل متعددی دخیل بوده‌اند؛ واقف بودن پادشاهان و منسوبان به حاکمیت، برجسته بودن مال موقوفه و ارزش بالای اقتصادی آن‌ها، پیگیری و نظارت برخی از افراد درباری نسبت به این نوع از موقوفات، تعیین مقام مسؤول موقوفات از سوی

درباریان، نیز مصارف فرهنگی درآمد این نوع از وقف در ایجاد مراکز علمی و کتاب‌خانه‌ها و پشتیبانی از زائران و عالمان دینی و هزینه در امور اقتصادی خیرخواهانه را می‌توان از مهم‌ترین عوامل ماندگاری و تاثیرگذاری این نوع وقف در تاریخ اسلامی ایران به‌ویژه در عصر صفوی برشمرد.

فهرست منابع

قرآن

۱. اعتمادالتولیه، محمد شفیع، «کتاب‌چه صورت موقوفات ارض اقدس»، کتاب‌چه‌ی موقوفات ملک، شماره ۶۱۷۱، ۱۳۸۰.

۲. تاورنیه، .ژان باتیست (۱۳۶۳)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، تهران، سنایی و تایید، اصفهان.

۳. ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۸۲)، عالم آرای عباسی، ج۱، ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۴. جعفریان، رسول (۱۳۹۸)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، نشر، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۵. جنابدی میرزا بیگ (1378) روضةالصفویه به کوشش :غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار.

۶. جناتی، آیت‌الله محمد ابراهیم (۱۳۹۳)، «وقف از دیدگاه مبانی اسلامی»، میراث جاویدان، سال دوم، شماره اول.

۷. حسینی عاملی، محمد شفیع (۱۳۸۳)، محافل المومنین فی ذیل مجالس المومنین، پدید آوران: جغتایی، مسعود، عرب‌پور ابراهیم، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۸. حسینی، بنت قباد (۱۳۷۹)، تاریخ ایلچی، نظام شاه، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.

۹. خان‌محمدی، علی اکبر (۱۳۸۱)، «وقف‌نامه مدرسه و مسجد دروازه دولت»، وقف میراث جاوید، سال ۱۰، شماره‌ی ۳۷.

۱۰. خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، ج۲، محقق ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

۱۱. خنجی، فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۸۳)، مهمان‌نامه بخارا، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰)، حبیب السیر فی اخبار البشر، به‌تصحیح جلال همایی، تهران، انتشارات کتاب‌خانه‌ی خیام، ج۲.

۱۳. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۷)، آستانه‌های مازندران، معارف اسلامی، فلسفه و کلام، شماره ۲.

۱۴. دبیرسیاقی، سید محمد (۱۳۳۴)، تذکره الملوک «سازمان - اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره‌الملوک»، ترجمه: مسعود رجب‌نیا.

۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ذیل اصطلاح وقف.
۱۶. دیلمی، ابی محمدالحسن بن محمد (۱۴۰۹)، إرشاد القلوب، ج۱، نشر، قم، شریف الرضی.
۱۷. ذبیحی، مسیح و ستوده، منوچهر (۱۳۸۶)، از آستارا تا استارآباد، انجمن آثار ملی تهران، ج ۶.
۱۸. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴، چاپ دوم، نشر نگاه.
۱۹. رجایی، غلام‌علی (۱۳۸۶)، ایران و کریم خان زند، تهران نیکتاب.
۲۰. ریاحی سامانی، نادر (۱۳۷۸)، «وقف و سیر تحولات - قانون‌گذاری در موقوفات»، نوید، شیراز.
۲۱. زحیلی، وهبه (۱۴۲۲)، التفسیر الوسیط. دمشق، دارالفکر.
۲۲. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، مطلع سعدین و مجتمع بحرین، به اهتمام عبدالحین نوایی، (دفتر اول)، پژوهش‌گاه، تهران، ج ۳.
۲۳. سوزنچی کاشانی، سازمان کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی استان، خراسان رضوی، سند شماره ۸۲۵۱۰.
۲۴. سیوری، راجر (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
۲۵. شاردن، جان (۱۳۷۴)، سفرنامه شاردن، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تهران، توس.
۲۶. شریف رازی، محمد (۱۳۵۲ - ۱۳۷۰)، گنجینه‌ی دانشمندان، ج۱، تهران، هجری شمسی.
۲۷. شهابی، علی اکبر (۱۳۴۳)، تاریخچه‌ی وقف در اسلام، دانشگاه تهران، ،
۲۸. شهابی، محمدرضا (۱۳۷۰)، «مبانی و چارچوب نظری تاثیر وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن»، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲۹. شهیدی، حمیده (۱۳۷۹)، فرمان‌های آستان قدس رضوی در دوره‌ی صفویه (پروانچه‌ها، ارقام و تعلیق‌چه‌ها)، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۰. شیبانی، عبدالرضا (۱۳۸۰)، سیمای وقف در خراسان، مشهد، انتشارات سنگال.
۳۱. شیری شیروانی، رضا (۱۳۷۱)، بررسی تطبیقی وقف،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کتاب‌خانه مرکزی و مرکز اسناد مخزن۶، دانشگاه تهران – دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۳۲. صفت گل، منصور (۱۳۸۹)، ساختار نهاد و اندیشه‌های دینی در ایران عصر صفوی، تهران، نشر رسا.
۳۳. طلایی، زهرا، «تاملی در اصطلاح سرکار فیض آثار»، پژوهش‌نامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، دو فصل‌نامه‌ای، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ثبت و به نام سازمان کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

۳۴. علیزاده، پیام (۱۴۰۰)، بازخوانی اندیشه‌های مرتضی قلی هدایت (صنیع‌الدوله) ج۲، نشر مگستان.
۳۵. عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۶. غفاری، ابوالحسن و غلامرضا طباطبایی مجد (۱۳۶۹)، گلشن مراد، تهران، نشر زرین.
۳۷. فقیهی، علی اصغر (۱۳۸۶)، تاریخ مذهبی قم، بخش اول از تاریخ جامع قم، نشر زائر.
۳۸. فلور، ویلم (۱۳۹۰)، نظام قضایی عصر صفوی، ترجمه‌ی حسن زندیه، انتشارات پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه.
۳۹. قاضی احمد، بن شرف‌الدین الحسین الحسینی القمی (۱۳۵۹)، خلاصة التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج دوم، چاپ اول.
۴۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، «تحول نهاد وقف و دورنمای آینده‌ی آن (مطالعه تطبیقی - تاریخی)»، مجموعه مقالات مطالعات ایران، مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی.
۴۱. گلچین معانی، احمد (۱۳۴۷)، راهنمای گنجینه قرآن، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴۲. گنجی، محمدحسن (۱۳۸۴)، بیرجند در ۱۳۰۰ شمسی، مجموعه مقالات جستاری در تاریخ فرهنگ و آموزش نوین، بیرجند.
۴۳. میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۷۸)، تذکرة الملوک، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، محشی ولادیمیر فئودوروویچ مینورسکی، به‌کوشش محمد دبیر ساقی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم.
۴۴. مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۷۸)، سال‌شماری وقایع مشهد در قرن پنجم تا سیزدهم، به‌کوشش ایرج افشار، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۴۵. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۱)، برگی از تاریخ قزوین، تاریخچه‌ای از آستانه‌ی شاهزاده حسین و دومان سادات مرعشی قزوین، قم، چاپ خیام.
۴۶. _____ (۱۳۶۴)، قم‌نامه (مجموعه مقالات و نامه‌ها درباره قم)، قم، کتاب‌خانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی(ره) چاپ اول.
۴۷. _____ (۱۳۳۵)، تربت پاکان، ج ۱،قم، مطبعه مهر، چاپ اول.
۴۸. مصطفی سلیمی‌فر (۱۳۷۰)، نگاهی به وقف و آثار اجتماعی و اقتصادی آن، مشهد، انتشارات آستان قدس.
۴۹. معین، محمد (۱۳۹۱)، فرهنگ فارسی: (د - ق) (جلد ۲) تهران، انتشارات امیر کبیر.

۵۰. معین‌الدین محمد زَمچی، اَسْفِزاری (۱۳۳۸)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج۱ و ۲، به‌کوشش و با مقدمه و حاشیه‌ی محمدکاظم امام، تهران، ۱۳۳۸- ۱۳۳۹ش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۵۱. ملازاده، محمدهانی (۱۳۷۷)، «بهاءالدین عاملی»، دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ اول.

۵۲. منشی، اسکندر (۱۳۷۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران، چاپ محمد اسماعیل رضوانی، چاپ اول.

۵۳. موسوی، رئوف (1379) (اردبیل در عصر صفویه، .اردبیل، انتشارات شیخ صفی‌الدین اردبیلی.

۵۴. میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۱۲۷۰ ق/ ۱۳۷۲ش)، روضة الصفا، ج۵، نشردار الطباعه خاصه جدیدة، چاپ اول.

۵۵. میرزا رفیعا، محمد رفیع (۱۳۸۵ش)، دستورالملوک، به‌کوشش محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه‌ی علی کردآبادی، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

۵۶. میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۶۸)، تذکرة الملوک، به‌کوشش محمد دبیر سیاقی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.

۵۷. ورنر، کریسف (۱۲۷۸)، زنان واقف در تهران عهد قاجار، ترجمه‌ی نسیم مجیدی قهرودی، وقف میراث جاوید، سال۷، شماره‌ی ۲۸.

۵۸. هانری‌رنه آلمانی (۱۳۷۸)، از خراسان تا بختیاری، ج ۲، ترجمه‌ی غلام‌رضا سمیعی، طاووس، فرهنگ نشر نو.

۵۹. هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۴)، آستانه ری مجموعه اسناد و فرامین، تهران، شرکت‌های افست.